

زبان عربی ۲

۱- گزینه «۲» - رعایت ساختار «ما من زَجَلٍ: هیچ مردی نیست، هیچ شخصی نیست» در ترجمه عربی به فارسی الزامی است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «حَذَرْتِي: مرا هشدار داد، به من هشدار داد» در این گزینه نادرست ترجمه شده است، «ما من: هیچ ... نیست» در این عبارت ترجمه نشده است، هم‌چنین «ثمر: میوه» ترجمه نشده است.

گزینه «۳»: ضمیر «ی» در «حَذَرْتِي» ترجمه نشده است، «كَتَبَ اللَّهُ لَهُ: خداوند برایش پاداش بنویسد» به اشتباه (به او پاداش بدهد) ترجمه شده است.

گزینه «۴»: در این عبارت علاوه بر ترجمه نشدن ساختار «ما من: هیچ ... نیست»، کلمه‌ها نیز در جای نادرستی ترجمه شده‌اند، هم‌چنین «كَتَبَ» به اشتباه به صورت اخباری ترجمه شده است. (زندیه) (ترکیبی - ترجمه) (متوسط)

۲- گزینه «۱» - «تَظَاهَرْنَا: تظاهر کردیم، وانمود کردیم»، «أَرَادَ: خواست»، «يَنْقُذُونَا: ما را نجات بدهند»، «بَدَأْنَا نَضْحَكَ: شروع به خندیدن کردیم» بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: در این گزینه فعل‌ها به صورت ماضی استمراری ترجمه شده و نادرست است.

گزینه «۳»: «أَصْدِقَائُنَا: دوستانمان» جمع است که به اشتباه مفرد ترجمه شده است.

گزینه «۴»: «أَرَادَ: خواستند» به اشتباه «تصمیم گرفتند» ترجمه شده است.

(زندیه) (درس پنجم - ترجمه) (متوسط)

۳- گزینه «۴» - «كَانَ يَفْكُ: آزاد می‌کرد»، «كَانَ يَحْمِي: حمایت می‌کرد»، «الْعَرْض: آبرو، ناموس»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «كَانَ: بود» به اشتباه «است» ترجمه شده و زمان جمله را از حالت گذشته خارج کرده است، هم‌چنین فعل‌های موجود در جمله که به واسطه «كان» در زمان ماضی استمراری ترجمه می‌شوند، همگی به اشتباه در زمان مضارع اخباری ترجمه شده‌اند.

گزینه «۲»: «عَرَفَ: می‌دانم، می‌شناسم» در این گزینه به معنی «می‌شناسم» کاربرد دارد و اینکه «أَعْرِفُ هَذَا الرَّجُلَ: این مرد را می‌شناسم» نادرست ترجمه شده است.

گزینه «۳»: «الْجَار: همسایه» مفرد است و به اشتباه جمع ترجمه شده است، هم‌چنین «الْعِرْضُ» به اشتباه «خانواده» ترجمه شده است.

(زندیه) (درس ششم - ترجمه) (دشوار)

۴- گزینه «۳» - «سَلَّتْ: فلج شد»، «أَطْرَافُ الْأَرْبَعَةِ: دست و پاهایش»، «أَلْقَى مُحَاضِرَاتٍ: سخنرانی‌هایی کرد»، «غَدِيدَةٌ: متعدد»، «لَمْ يَقْنَطْ: ناامید نشد» بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «أَطْرَافُ الْأَرْبَعَةِ: دست و پاهایش» به اشتباه مفرد «دست و پایش» ترجمه شده است، هم‌چنین «لَمْ يَقْنَطْ: ناامید نشد» نادرست ترجمه شده است.

گزینه «۲»: در این گزینه «أَلْقَى مُحَاضِرَاتٍ غَدِيدَةً: سخنرانی‌های متعددی کرد» نادرست ترجمه شده است و ضمیر «ه» در «خِيَاثَهُ» ترجمه نشده است.

گزینه «۴»: «دچار شد» معادلی در عبارت عربی ندارد و اضافی ترجمه شده است.

(زندیه) (درس هفتم - ترجمه) (دشوار)

۵- گزینه «۱» - «أَخَذَ: گرفت، برداشت»، «طَبَاشِيرُ: گچ»، «قَدَمِهِ الْيُسْرَى: پای چپش»، «رَجُلِيَه: دو پایش»، «رائع: جالب، جذاب، دل‌انگیز»

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۲»: «الْيُسْرَى: چپ» نادرست ترجمه شده است، هم‌چنین «الْوَحِيد» ترجمه نشده است و «مَنْظَرًا» مفرد است که به اشتباه جمع ترجمه شده است.

گزینه «۳»: «أَخَذَ: گرفت» چون با فعل مضارع نیامده است نمی‌تواند «شروع کرد» ترجمه بشود، «الْمُتَحَرِّكُ: ضمیری ندارد بنابراین «متحرک» نادرست است.

گزینه «۴»: «الْمُتَحَرِّكُ» اسم است و نمی‌تواند به صورت فعل «حرکت می‌کرد» ترجمه بشود.

(زندیه) (درس هفتم - ترجمه) (متوسط)

۶- گزینه «۳» - «يَضُرُّ» در ترکیب «دُونَ أَنْ يَضُرَّ: بدون اینکه آسیب برساند» فعل متعدی و مفعول آن «دِمَاعُ» است که به اشتباه لازم ترجمه شده است.

(زندیه) (ترکیبی - ترجمه) (دشوار)

۷- گزینه «۱» - «يَأْكُلُ» فعلی است که بعد از اسم نکره آمده است بنابراین در ترجمه آن «که» می‌آید. ترجمه درست: «آن پرنده ای است که...»

(زندیه) (ترکیبی - ترجمه) (دشوار)

۸- گزینه «۳» - «تَعَمَّتْهَا: النَّعَم» (رد گزینه ۲)، «به عنوان روزی و وسیله‌ای: کَرِزَقٍ و وَسِيلَةً» (رد گزینه «۱» و «۴»)

(زندیه) (ترکیبی - تعریب) (متوسط)

۹- گزینه «۳» - ترجمه عبارت: «هر کس آزمایش شده را بیازماید دچار پشیمانی می‌شود» بر موضوع «عدم تکرار و عدم تجربه موضوعات و شرایطی که از قبل آن‌ها را تجربه کرده‌ایم» تاکید دارد. در حالی که بیت معادل، عکس آن را تایید می‌کند: «درویی که آزمایش نشده را نمی‌توان چشید».

(زندیه) (درس دوم - مفهوم) (دشوار)

۱۰- گزینه «۲» - «أَكْرَمَ: گرامی داشتند» در این گزینه فعل است و نه اسم تفضیل. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «أَفْضَلُ»، «أَعْلَى» و «الْآخِرِينَ» اسم تفضیل‌اند.

(زندیه) (درس اول - قواعد) (متوسط)

۱۱- گزینه «۴» - «رَتَمَ: نقاش» بر شغل دلالت دارد و با سایر اسم‌های مبالغه که بر ویژگی دلالت دارند، متفاوت است.

(زندیه) (درس دوم - قواعد) (آسان)

۱۲- گزینه «۴» - اگر جواب شرط جمله اسمیه، فعل مستقبل و یا فعل امر (غایب و مخاطب) باشد، باید بر سر جواب آن «ف» بیاوریم در غیر این صورت نمی‌تواند جواب شرط باشد.

(زندیه) (درس سوم - قواعد) (دشوار)

۱۳- گزینه «۲» - در این گزینه «لِمَ: برای چه» از ادوات استفهام است و فعل مضارع به صورت مضارع اخباری «برای چه می‌روید» ترجمه می‌شود. ترجمه فعل‌ها در سایر گزینه‌ها به صورت ماضی منفی است. ترجمه سایر گزینه‌ها به ترتیب: «نیامدند»، «تفهمیدند» و «مشاهده نشد»

(زندیه) (درس ششم - قواعد) (دشوار)

۱۴- گزینه «۳» - «مَادَّةٌ: اسم نکره و «يَكْتَبُ» جمله بعد از نکره است که آن را توصیف می‌کند. در سایر گزینه‌ها جمله بعد از نکره وجود ندارد زیرا به ترتیب «يَذْهَبُ» خبر است، «حَسَنٌ» اسم علم است پس نکره نیست و «يَقْرَأُ» بعد از اسم نکره نیامده است.

(زندیه) (درس پنجم - قواعد) (دشوار)

۱۵- گزینه «۱» - در این گزینه «مُتَوَصِّلَةٌ: اسم فاعل و «مُطَهَّرَةٌ» اسم مفعول است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب: «سَالِمِينَ» اسم فاعل، «الزَّوَارَ» اسم فاعل و «الْمَقْلَدُ» اسم مفعول است.

(زندیه) (درس دوم - قواعد) (متوسط)

۱۶- گزینه «۳» - «مَنْ: چه کسی» اسم استفهام است و به همین دلیل فعل «يَطْلُبُ» به شکل مضارع اخباری ترجمه می‌شود. «چه کسی دانش را به جای ثروت می‌خواهد هنگامی که اختیار داده می‌شود.» در سایر گزینه‌ها «لِنَعْمَلُ: باید انجام بدهیم»، «حَتَّى تُسَاعِدَ: تا یاری بکند»، «أَنْ لَا تَتَرَكَ: تا رها نکنی» همگی به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند.

(زندیه) (ترکیبی - قواعد) (دشوار)

۱۷- گزینه «۴» - «مَا» در این گزینه از نوع شرطیه است و می‌تواند زمان فعل را به التزامی تغییر بدهد. «ها» در سایر گزینه‌ها به ترتیب: نفی، استفهام و موصول است که تغییری در زمان فعل به وجود نمی‌آورند.

(زندیه) (درس دوم - قواعد) (متوسط)

۱۸- گزینه «۲» - ترجمه عبارت: «هر کس بسیار تلاش کند، در زندگی‌اش موفق می‌شود.» در این عبارت «يَجْتَهِدُ: تلاش کند» فعل شرط و «يَنْجَحُ: موفق می‌شود» جواب شرط است.

(زندیه) (درس سوم - قواعد) (آسان)

۱۹- گزینه «۱» - «خَيْر» در این عبارت به معنی «خوبی» است و معنای «برتری» را دربر ندارد تا اسم تفضیل باشد. در سایر گزینه‌ها: «أَحْسَن» اسم تفضیل، «مَسْتَح» اسم مکان و «أَوَّل» اسم تفضیل است.

(زندیه) (درس اول - قواعد) (آسان)

۲۰- گزینه «۲» - در این عبارت «لا يُعاشِر» فعل غایب است و به دو صورت می‌تواند ترجمه بشود

«معاشرت نمی‌کنند» (لا نفی) و «نباید معاشرت کنند» (لا نهی)

(زندیه) (درس ششم - قواعد) (متوسط)

عادی